

# بانک‌هایی برای فقرا

## خرده اعتبارها و مدیریت فقر در کشورهای در حال توسعه

ثروتمندان به دلیل برخورداری از وسایل لازم دائماً ثروتمندتر شده و فقرا به دلیل محرومیت از همین وسایل، دائماً فقیرتر می‌شوند.

تقریباً در تمام بانک‌های جهان، پرداخت اعتبار و وام به افراد در نسبتی مستقیم با درآمد آنها و امکانات پتانسیل بازپرداخت ایشان قرار دارد و باز تقریباً در همه نظام‌های بانکی، تلاش می‌شود از مشتریان کوچک و به خصوص از پرداخت وام‌های کوچک پرهیز شود. دلایل این امر کمابیش روشن است: نخست آنکه هزینه‌های بانکی در نسبتی مستقیم با میزان وام‌ها افزایش نمی‌یابند و یک وام کوچک می‌تواند همان اندازه هزینه اداری و بالاسری داشته باشد که وام‌های متوسط و حتی بزرگ دارد، سپس آنکه گروهی از هزینه‌ها دارای کفی هستند که نمی‌توان بیشتر از آن آنها را کاهش داد. این کف قابل انطباق با وام‌های کوچک نیست. و سرانجام آنکه نسبت به فقرا نوعی پیش‌داوری وجود دارد، به این معنی که «فقر» تصویری منفی را می‌سازد که عموماً با نوعی «مسئولیت فردی» انطباق پیدا می‌کند. بسیار دیده می‌شود که فقرا را مسئول وضعیت ناسامان آنها می‌دانند و حتی در افراطی‌ترین باورها، گروهی عنوان می‌کنند که فقرا وضعیت خویش را به کار کردن و خروج از فقر ترجیح می‌دهند. این گونه پیش‌داوری‌ها به ویژه از سوی کسانی که هرگز رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ با فقرا نداشته‌اند شاید کاملاً «طبیعی» به نظر برسد. اما این پیش‌داوری اثراتی منفی را در پی دارد. مسئولان بانک‌ها نیز عموماً جزو همین گروه قرار می‌گیرند به نحوی که بی‌اعتمادی آنها به فقرا و اعتمادشان به ثروتمندان، چندان تعجبی را

○ تأمین مالی خرد (Microfinance) یکی از روش‌های جدیدی است که برای مقابله با فقر به مثابه مانع رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی مطرح شده است. این روش در آن واحد، شیوه‌ای از بانکداری جدید، و نوعی مدیریت نوین فقر در سطح خرد است. طرفداران این شیوه، آن را بهترین راهکار برای ایجاد مسئولیت در اقشار شکننده جوامع در حال توسعه و کمک به آنها در رهایی از دور باطل فقر و حاشیه‌ای شدن می‌دانند، در حالی که مخالفان بر خطری تأکید می‌کنند که ممکن است با بهانه قراردادن این شیوه و کارآیی آن، متوجه لزوم و اهمیت کمک‌های مالی دولتی به توسعه در کشورهای فقیر بشود.

می‌توان مفاهیمی چون تأمین مالی خرد، خرده اعتبارها و... را نوعی بازگشت به جامعه مدنی به حساب آورد که با ظهور و گسترش هرچه بیشتر سازمان‌های غیردولتی (NGO) و فضای عمل آنها امروز بیش از پیش مطرح می‌شوند

ضرب المثلی فرانسوی می‌گوید: «مردم فقط به ثروتمندان قرض می‌دهند». سالهاست که این ضرب‌المثل در همه جا و به ویژه در کشورهای در حال توسعه به واقعیتی تلخ بدل شده است. هر اندازه افراد ثروتمندتر باشند، از اعتبارات مالی بیشتر و ارزان‌تری برخوردار می‌شوند و برعکس هر اندازه فقیرتر باشند، دسترسی کمتری نیز به اعتبارات داشته و باید هزینه نسبی بیشتری را بابت آن پرداخت کنند. این امر نوعی رابطه متناقض را ایجاد می‌کند که در آن در هر دور باطل،

برنمی انگیزد. حال آنکه، فقرا شاید هرگز فرصت نیافته باشند که خیانتی به امانت بانک‌ها بکنند، و ثروتمندان، در بسیاری از موارد بر عکس، قوانین و اعتماد بانک‌ها را به زیر پا گذاشته‌اند.

به هر حال، این عدم دسترسی به پول و اعتبار برای فقرا به ویژه هنگامی بعد در دناک‌تری به خود می‌گیرد که مشاهده می‌کنیم در بسیاری موارد، تداوم یا توقف دور باطل فقر و تنگدستی بستگی به دسترسی به مبلغی اندک یا بر خورداری از امتیازی کوچک دارد. روستاییانی که با خشکسالی روبرو شده‌اند، گاه برای خرید بذر مورد نیاز خود و یا برای معالجه فرزندان یا حتی دام‌های بیمار خود تنها به حجم اندکی سرمایه یا امکاناتی ناچیز احتیاج دارند و نبود همین سرمایه‌ها و امکانات سبب می‌شود که حاضر به پذیرش بدترین شرایط (مثلاً فروش اموال اندک خود یا پیش فروش محصولات آبی خود به نازل‌ترین قیمت‌ها) بشوند تا سرمایه اندک را به دست بیاورند.

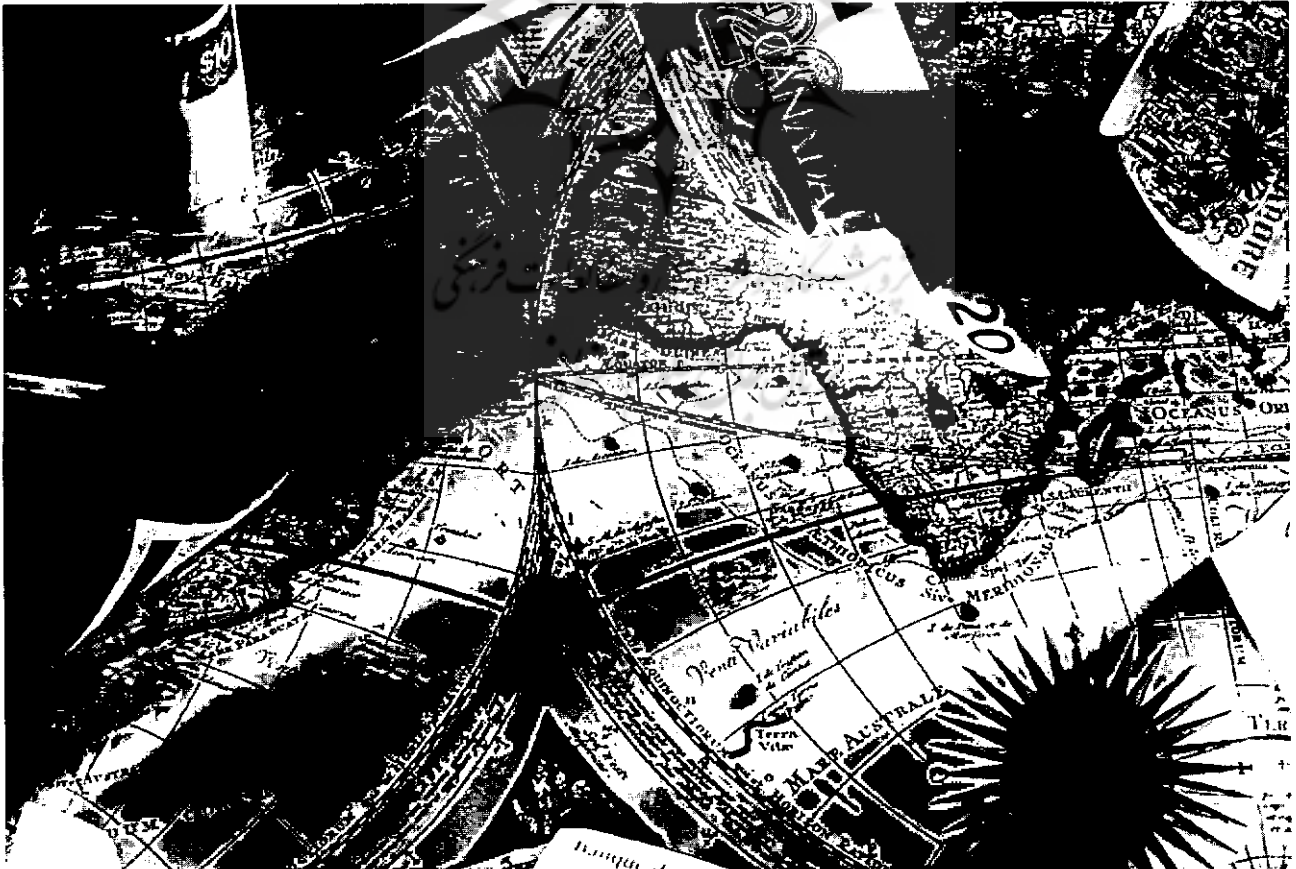
بنابراین می‌توان ادعا کرد که فقر واقعی است که در سطوحی بسیار متفاوت قابل بررسی است. عام‌ترین و گسترده‌ترین این سطوح، سطح بین‌المللی است. در اینجا معیار سنجش فقر، یک معیار نسبی است که دو گروه از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یا «شمال» و «جنوب» را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. اما فقر را می‌توان در سطوح محلی برای مثال در توزیع نابرابر درآمدها، امکانات مالی، امتیازات اداری و حتی موقعیت‌های طبیعی و اقلیمی نیز در سطح یک کشور و در میان اقشار متفاوت آن مشاهده کرد.

## گروهی از اندیشمندان بر آن هستند که سطح خرد در عمل، مهم‌ترین سطح حتی در تدوین و اجرای برنامه‌ریزی‌های میان و درازمدت است

هریک از چنین سطوحی نیازمند نوعی مدیریت و برنامه‌ریزی خاص است که به لزوم با سطوح دیگر تضادی ندارند. به عنوان مثال مقابله با نابرابری‌های بین‌المللی، عمدتاً باید از طریق تأثیرگذاری بر سازوکارهای بازار جهانی، تعیین قیمت مواد خام و ساخته شده، سازوکارهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجاری، جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم و غیره انجام بگیرد. حال آنکه در سطح محلی، سیاست‌گذاری برای ایجاد توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، توسعه نظام‌های آموزشی و بهداشتی و غیره مدنظر است. اما امروزه گروهی از جامعه‌شناسان و حتی

اقتصاددانان هرچه بیشتر بر خردترین سطوح فقر تأکید می‌کنند که نیازمند نوعی مدیریت اضطراری و فوری است. برای مثال زمانی که با امواج گسترده بیکاری به دلیل تجدید ساختارهای صنعتی روبرو هستیم و یا با فروپاشی بازارهای ملی به دلیل بحران‌های مالی و تجاری برخورد می‌کنیم و یا مصیبت‌های طبیعی گریبانگیر پهنه‌ای جغرافیایی می‌شود، نمی‌توان با روش‌های مدیریت میان و درازمدت به مقابله با آنها رفت. هیچ‌گونه اقدام قانونی و برنامه‌ریزی اصلاحی نمی‌تواند در فاصله‌ای کوتاه به نیازهای اضطراری ناشی از فقر پاسخ دهد. با این حال در بسیاری از موارد، همین نیازهای اضطراری، به دلیل دور باطلی که ایجاد می‌کنند در سرنوشت‌های فردی و به تبع آنها در سرنوشت‌های ملی تأثیر می‌گذارد. وضعیت چنین افرادی را می‌توان به غریبی تشبیه کرد که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند و نمی‌توان انتظار داشت که با برنامه‌های آموزش‌شنا، بتوان به نجاتش کمک کرد. گروهی از اندیشمندان بر آن هستند که سطح خرد در عمل، مهم‌ترین سطح حتی در تدوین و اجرای برنامه‌ریزی‌های میان و درازمدت است.

پرسشی که در این میان پیش می‌آید آن است که آیا جریان کمک‌های توسعه‌ای نمی‌تواند به از میان برداشتن فقریاری کند؟ واقعیت آن است که جهان کنونی در طول چند دهه گذشته، بیش از آنکه شاهد حذف و از میان رفتن فقر باشد با تشدید آن روبرو بوده است. امروز جمعیتی بین ۷۵ تا ۸۲ میلیارد یعنی تقریباً یک سوم کل جمعیت جهان، زیر خط فقر زندگی می‌کنند یعنی درآمدی زیر یک دلار



در روز داشته و از ابتدایی ترین امکانات رفاهی همچون آب آشامیدنی سالم، بهداشت اولیه و آموزش بی بهره اند و به رغم آن که از سال ۱۹۹۰ تا امروز کمک های خصوصی به توسعه ۷ برابر شده و در ۱۹۹۷ به حد ۲۵۰ میلیارد دلار رسیده است، اما جریان این کمک ها عمدتاً به سوی بخش کوچکی از کشورهای در حال توسعه (که بهترین وضعیت نسبی را دارند) بوده است. کشورهای توسعه یافته، امروز فاصله زیادی با تعهد خود در کنفرانس ریو (۱۹۹۲) مبنی بر اختصاص ۰/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی خود در سال به کمک به کشورهای در حال توسعه دارند و کمتر از ۳۰ درصد از این تعهد را به انجام رسانده اند. از این گذشته جریان کمک های دولتی و غیردولتی نه فقط به بحران های پی در پی استقراری در کشورهای در حال توسعه انجامیده است، بلکه سبب رشد هر چه بیشتر نظام های مافیایی و رانت خواری در آنها نیز شده است که خود به صورت مانعی اساسی در برابر توسعه عمل می کنند. افزون بر این، سرازیر شدن این کمک ها، عموماً سبب به وجود آمدن و گسترش نوعی فرهنگ فقر و استمدادجویی دائمی شده و انگیزه ها و قدرت و توان لازم در افراد را برای ایجاد تغییری اساسی در وضعیت خود از میان می برد. همانگونه که برنامه های کمک رسانی به بیکاران در اروپا سبب ایجاد نوعی سستی و رخوت و نهادینه شدن بیکاری در این کشورها شده است، در فقیرترین کشورهای در حال توسعه نیز، کمک رسانی عموماً با تأمین غذایی در حد زنده ماندن برای اقشار بزرگی از مردم آنها انطباق دارد. این امر طبیعتاً به معنی عدم لزوم

گذاشته و به سرعت در جهان رایج شده اند.

کلیدی ترین شخصیت و در واقع ابداع کننده اصلی این مفاهیم، پرفسور محمد یونس<sup>۱</sup> استاد دانشگاه چیتاگونگ<sup>۲</sup> و بنیانگذار و رییس بانک گرامین<sup>۳</sup> در بنگلادش است که در دسامبر ۱۹۹۷، در مقاله ای مسوط نظرات خود را درباره تجربه خویش در مدیریت فقر در نشریه لوموند دیپلماتیک تشریح کرد.

پروژه یونس که امروز به عنوان یک الگوی عملی و آرمانی در مبارزه با فقر درآمده است در این مقاله به صورت گویایی بیان شده است. یونس توصیف می کند که چگونه پس از موج فحطی ۷۵-۱۹۷۴ در بنگلادش و برخوردی که با فقرای روستایی نزدیک به دانشگاه خود داشت، ناگهان درباره ارزش و اعتبار نظریه ها و استدلالات کلان اقتصادی و دانشگاهی که هر روز در کلاس بیان می کرد به شک افتاد. یونس در این زمان، در تجربه های عملی مشاهده می کند که با حجم اندکی پول یعنی چیزی در حد چند دلار برای هر خانواده می توان آن خانواده را از افتادن به گرداب و دور باطل فقر و سقوط اجتماعی نجات داد. به همین دلیل وی با سرمایه گذاری شخصی در روستای جویرا<sup>۴</sup> به یاری روستاییان محتاج شتافت و با وامی از بانک که خود ضامن آن شد، سبب تغییر وضعیت آنها گردید. روستاییان جویرا بر خلاف انتظار بانک همگی در فاصله کمتر از ۲ سال، قرض خود را بازپرداخت کردند. و این بار یونس تجربه خود را ابتدا در پنج روستا و سپس در سطح یک بخش تعمیم داد و با موفقیت مجدد این تجربه، در سال ۱۹۸۳ یک بانک خصوصی ویژه وام دهی به فقیران روستایی با نام گرامین (از گرام به معنی روستا) تأسیس کرد.

امروز بنا بر نوشته محمد یونس، بانک گرامین دارای ۳۷۰۰۰ شعبه روستایی در بنگلادش است، یعنی بیش از ۵۰ درصد روستاهای این کشور را پوشش می دهد. تا ماه مارس ۱۹۹۵، مجموع وام های اهدایی بانک گرامین به ۱ میلیارد دلار رسیده بود و ۲ سال بعد این رقم از حد ۲ میلیارد دلار گذشت. ۹۷ درصد این وام ها در موقع مقرر بازگشت داده شدند و بیش از ۲ میلیون نفر که ۹۴ درصد آنها را زنان روستایی تشکیل می دهند، از این وام ها که به طور متوسط ۱۶۰ دلار بوده اند استفاده کرده اند.

یکی از مهم ترین ابتکارات یونس در انتخاب زنان به عنوان مشتریان دارای اولویت بانک بوده است. در حقیقت در بنگلادش به دلیل سنت های پدرسالارانه، زنان چندان اهمیتی در مقیاس اجتماعی ندارند و عموماً همین زنان نیز هستند که بیشترین فشار را از سوی فقر تحمل می کنند. یونس نشان می دهد که وجود همین عوامل منفی توانسته اند به صورت انگیزه هایی قوی عمل کنند و سبب موفقیت برنامه های بانک گرامین شوند. زنانی که از این بانک برای مواردی چون ایجاد شغل برای خود، اجاره ابزار، خرید مسکن و غیره وام گرفته اند، توانسته اند به بهترین وجهی موقعیت خود را دگرگون سازند و خود بدل به سهامداران بانک گرامین شوند. البته یونس زمان گذار از فقر به موقعیتی نسبتاً با ثبات را حدود ۵ تا ۷ سال ارزیابی می کند.

محمد یونس با اتکاء به تجربه موفق گرامین از یک سو این نظام را در شرکت هایی دیگر از همین دست در بنگلادش و از سوی دیگر در ۵۸ کشور جهان گسترش

داد. برای مثال شرکت گرامین فون<sup>۵</sup> یک مؤسسه ارتباطات تلفنی خصوصی است که تا سال ۲۰۰۳ یک میلیون مشترک تلفن همراه خواهد داشت. این شرکت بدین صورت عمل می کند که به زنان روستایی تلفن های همراه را می فروشد و به آنها امکان می دهد که با اجاره دادن خط خود به روستاییان فاقد تلفن، درآمدی برای خویش کسب کنند و بتوانند ضمن بازپرداخت بهای خط تلفن، سهام این شرکت را نیز بخرند. چندین شرکت دیگر گرامین نیز نظیر شرکت انرژی های نو گرامین (برای خدمت رسانی در نقاطی از کشور که به شبکه انرژی متصل نیستند) و شرکت خدمات اینترنتی گرامین نیز از جمله اشکال گسترش فکر یونس در بنگلادش هستند.

باتوجه به مطالعه ای که به وسیله کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه انجام گرفته است، نیاز بزرگی برای استفاده از تأمین مالی خرد در سطح جهان وجود دارد. این مطالعه، تعداد مشتریان بالقوه چنین بانک هایی را ۵۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان تخمین می زند. در حال حاضر تعداد نهادهای تأمین مالی خرد<sup>۶</sup> به ۷۰۰۰ مؤسسه می رسد. حجم گردش سرمایه این نهادها، هفت میلیارد در سال و مشتریان آنها در حد هشت میلیون نفر ارزیابی شده اند. نمونه هایی از این مؤسسات را می توان چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه مشاهده کرد. برای مثال می توان از مؤسسات زیر نام برد: بانکوسول<sup>۷</sup> در بولیوی، مؤسسه ک.ر.پ<sup>۸</sup> در کنیا، مؤسسه تعاونی کشاورزی کنلاران<sup>۹</sup> در فیلیپین، مؤسسه تعاونی آمریکایی با سایر ملل<sup>۱۰</sup> (تأسیس در ۱۹۹۷)

## روابط سودمندی متقابل بهتر از روابط کمک رسانی، می توانند به نیروی محرکی برای توسعه تبدیل شوند.

و مؤسسه عملیات امید<sup>۱۱</sup> (تأسیس در ۱۹۹۰) بازهم در آمریکا، شرکت سرمایه گذاری و توسعه بین المللی<sup>۱۲</sup> و بانک پلانٹ<sup>۱۳</sup> (تأسیس در ۱۹۹۸) در فرانسه.

فرانک گروزل<sup>۱۴</sup> دبیر اجرایی دهمین کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه با خوش بینی زیادی درباره مؤسسات تأمین مالی خرد چنین می گوید: «موفقیت نهادهای تخصصی در زمینه خرده اعتبار، نشان می دهد که یک وام چند ده دلاری می تواند به فقیرترین افراد کمک کند تا برای خود کار ایجاد کنند و صاحب درآمد شوند. این تجربه نشان می دهد که نیروهای بازار بورس نیویورک می توانند به سرچشمه ای برای تولید ثروت در

## جهان کنونی در طول چند دهه گذشته، بیش از آنکه شاهد حذف و از میان رفتن فقر باشد با تشدید آن روبرو بوده است.

یابی فایده بودن کمک های توسعه ای نیست اما منطبق این کمک ها، روش های به کار گرفته شده در آنها، شیوه های کاربری و کنترل آنها نیاز به تجدید نظر هایی اساسی دارند. در برابر این نوع از بی تفاوتی کشورهای توسعه یافته نسبت به سرنوشت کشورهای در حال توسعه، گرایش قدرتمند دیگری در طول سه دهه اخیر ظاهر شده است و آن خود آگاهی گروهی از نخبگان این کشورها و ایجاد راه های جدیدی از فقرزایی مبتنی بر تکیه زدن بر قابلیت ها و توانایی های خود فقرا است. به این ترتیب است که واژگان جدیدی همچون تأمین مالی خرد<sup>۱۵</sup>، خرده اعتبار<sup>۱۶</sup>، خرده پس انداز<sup>۱۷</sup>، خرده بیمه<sup>۱۸</sup> و غیره پا به عرصه وجود



چون تأمین مالی خرد، خرده اعتبارها و... را نوعی بازگشت به جامعه مدنی به حساب آورد که با ظهور و گسترش هر چه بیشتر سازمان های غیردولتی (NGO) و فضای عمل آنها امروز بیش از پیش مطرح می شوند.

دو نکته اساسی در این پدیده باید مورد توجه باشد. نخست آنکه به دلیل وجود حاشیه سوددهی هر چند ضعیف، اما واقعی و پتانسیل ایجاد انگیزه، تأمین مالی خرد کاملاً از اشکال دیگری چون کمک رسانی جدا می شود و می تواند تداوم و گسترش یابد. و نکته دوم آن که، رویکرد به کمک های کلان توسعه ای می تواند با گسترش نهادهای تأمین مالی خرد (MFI) همراه شود و سبب گردد که کمک در عمل به سازمان های غیردولتی انجام شود و با افزایش مسئولیت و اعتماد هر چه بیشتر به این فضاها و سازوکارهای غیردولتی از بسیاری از انحرافات دولت های کوچک در حال توسعه پرهیز کرد و در ضمن کمک قابل توجهی نیز به سالم سازی محیط های مالی و اقتصادی در این کشورها نمود. امید همه کسانی که در حوزه توسعه فعالیت می کنند آن است که روزی ما هم بتوانیم همچون محمد یونس درباره فقر چنین بگوییم: «در آینده، زمانی که دانش آموزان مدارس ما را با اتوبوس های بی دربی به دیدن بخش «فقر» در موزه انسان بیاورند، آنها از دیدن فقر و نگون بختی هایی که ما تحمل دیدنشان را داشته ایم، وحشت خواهند کرد. اینکه موقعیت انسان در آستانه قرن بیست و یکم به همان صورت پیشین باقی بماند، گناهی است که کودکان ما بر ما نخواهند بخشید.»

- ۱ On ne prete qu'aux riches
- ۲ Microfinance
- ۳ Microcredit
- ۴ Microsavings
- ۵ Microinsurance
- ۶ Muhammad Yunus
- ۷ Chittagong
- ۸ Grameen
- ۹ Jobra
- ۱۰ Grameen phone
- ۱۱ Microfinance institution یا MFI
- ۱۲ Bancosol
- ۱۳ K-Rep
- ۱۴ Kaunlaran Agricultural Corporation
- ۱۵ American for Community Cooperation in other nations (ACCION)
- ۱۶ Hope Operation
- ۱۷ Societe d'Investissement et de developpement international (SID)
- ۱۸ Planet Bank
- ۱۹ Frank Groelz
- ۲۰ Rubens Ricupero

سرانه است؟ یا مصرف سرانه؟ این رویکرد به نظر ما نمی تواند چندان گویا باشد. آنچه اهمیت دارد بهبود کیفیت زندگی فقیرترین افراد است و این باید جوهر توسعه باشد (...). فقر می تواند از میان برداشته شود. چندین مطالعه مستقل ثابت کرده اند که در طول ده ساله، یک سوم از قرض گیرندگان گرامین خط فقر را پشت سر گذاشته اند و یک سوم دیگر از آنها نیز به این خط نزدیک شده اند. امروزه ۱۵ درصد از جمعیت بنگلادش، یعنی ۲۰ میلیون نفر از خدمات خرده اعتباری استفاده می کنند. ما با تکیه بر این نتایج، پیام خود را با قدرت تکرار می کنیم: فقر می تواند در همه جا و به سرعت از میان برداشته شود. این امر تنها نیاز به یک اراده سیاسی دارد. برای از میان بردن فقر باید تنها به نیازمندان ابزارهایی را داد که بتوانند سرنوشت خود را در دست گیرند.

بیش یونس شاید پیش از اندازه خوش بینانه و آرمان گرایانه باشد، شکی نیست که او به گونه ای اخلاق گرایانه و رومانیک با مفهوم فقر برخورد می کند. با این حال نمی توان به لزوم این دیدگاه را به زیر سؤال برد. در واقع همانگونه که در ابتدای این نوشته عنوان شد، برخورد با پدیده هایی چون فقر را نمی توان صرفاً به سطح محدود کرد و سطوح مختلف مدیریت فقر لزوماً در تضاد با یکدیگر قرار ندارند. از این روی می توان مفاهیمی

منابع:

- Motchane, J.L., "Quand les pauvres seduisent les banques", in Le Monde Diplomatique, Avril ۱۹۹۹
- Motchane, J.L., "Le Regard interesse de Wall Street" in Le Monde Diplomatique Avril ۱۹۹۹
- Yunus, M., "Transgresser les prejuges economiques", in Le Monde Diplomatique, Dec ۱۹۹۹

www.Grameen.Org بانک گرامین  
www.Microcreditsummit.Org کنفرانس خرده اعتبارها  
www.Cgap.Org گروه مشاوره و کمک رسانی به فقیران

نزد زاغه نشین های لیما یا تامیل تبدیل شوند، این تجربه نشان می دهد که روابط سودمندی متقابل بهتر از روابط کمک رسانی می توانند به نیروی محرکی برای توسعه تبدیل شوند.

روبنز ریگوپرو دبیر کل کنفرانس نیز به وجود آمدن چنین نهادهایی را چرخشی اساسی در رویکرد به کمک های توسعه ای می داند.

با این حال، مخالفان این شیوه، عمدتاً بر چند نکته تأکید می کنند، نخست آنکه حجم کل چنین کمک هایی در مجموع، بنابر برآوردهای کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه، حداکثر به حد ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید که به نسبت سرمایه های لازم در فرایندهای توسعه ای حجم اندکی را تشکیل می دهند. از این گذشته اشتغال زایی چنین فرایندی عموماً در بخش خدماتی و برای ایجاد مشاغل موقت و سست انجام می گیرد و همواره خطر بازگشت فقر باقی می ماند. مخالفان خرده اعتبارها معتقدند که این یک تصور خام است که در حالی که برآورد سرمایه های لازم برای ایجاد یک فرصت شغلی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه امروز در حد ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار است، گمان کنیم که یک وام ۵۰۰ تا ۶۰۰ دلاری بتواند واقعاً معجزه ای بکند. و سرانجام این انتقاد مطرح می شود که خرده اعتبارها می توانند بهانه ای برای چرخش رویکرد به کمک های توسعه ای قرار گرفته اند و سبب مسئولیت زدایی از دولت های ثروتمند شوند که در حال حاضر نیز چندان تمایلی به ادامه کمک های خود به سازمان ملل و شاخه های متفاوت آن ندارند.

محمد یونس بانوعی خوش بینی و اراده گرای سیاسی به این انتقادات پاسخ می دهد: «گاه به خرده اعتبارها ایراد گرفته می شود که نمی توانند چندان کمکی یا هیچ کمکی به توسعه اقتصادی در کشورهای مزبور بکنند. اما باید پرسید «توسعه اقتصادی» یعنی چه؟ آیا منظور درآمد